[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

تحلیلی بر جایگاه پهلوان‌بانوان در حکمت عملی
با بررسی منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه*

رقیه اصغری پهناب‌محله*

بهمن نزهت**

شیرین رزمجو***

چکیده

بررسی آثار اسطوره‌ای و حماسی، که راوی اندیشه و تفکر پیشینیان و بیان‌کنندهٔ تاریخ و فرهنگ زندگی مردم‌اند، از منظر حکمت عملی سندی محکم در اثبات وجود مبانی و آداب اخلاقی در جامعهٔ ایران باستان است که بعد از اسلام ادامه یافته است. در این پژوهش، منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه* به‌روش بررسی توصیفی-تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای، با هدف تحلیل جایگاه زنان در حکمت عملی تحت مطالعه قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که اعمال و رفتار بانوگشسب با مؤلفه‌های حکمت عملی منطبق است و می‌توان او را الگوی زن موفق فرهنگ اقوام ایرانی نامید که در هیئت پهلوان‌بانو فضایل اخلاقی را انتقال داده است. از منظر حکمت عملی در حوزهٔ اخلاق فردی، بانو فرزند خردمند، شجاع، عفیف، معتقد و متعهدِ رستم، نمایندهٔ پهلوان-بانوانی است که با رفتار و کردارش الگوی فضیلت قرار گرفته است. در حوزهٔ تدبیر منزل و سیاست مُدُن، جایگاه والای بانو در خانواده، ارزشمندی زنان در فرهنگ اصیل ایرانی را نمایندگی می‌کند. او فارغ از نگرش جامعهٔ مردسالار، شخصیتی مستقل و جنگجو دارد که زن‌بودنش، باعث سستی در انجام امور، ضعف اراده و ناتوانی در قیاس با مردان نشده است. در خانواده نیز فرزندی صالح، دلاور و مسئولیت‌پذیر است که به صلاحدید پدر (مدبر منزل) عمل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: *بانوگشسب‌نامه*، پهلوان‌بانو، حکمت عملی، تهذیب اخلاق، تدبیر منزل.

---

* دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه ارومیه (نویسندهٔ مسئول) rasghari701@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه b.nozhat@urmia.ac.ir

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه sh.razmjoo@urmia.ac.ir

---

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۸

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۹، شمارهٔ۹۰، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۵-۴۴

An Analysis of the Position of Lady Heroines in Practical Wisdom: The Case Study of *Banu Goshasb-nameh* Poems

Roghayyeh Asghari Pahnabmahalleh*
Bahman Nozhat**
Shirin Razmjou***

Abstract
The study of mythological and epic works, which narrate the thoughts and ideas of the predecessors and express the history and culture of people's lives, from the perspective of practical wisdom is a strong evidence to prove the existence of moral principles and customs in ancient Iranian society that continued after Islam. In this research, Banugoshasb-nameh poemswere studied with the aim of analyzing the position of women in practical wisdom. The library research method was used, and the approach of the paper is descriptive-analytical. The results show that Banugoshasb's actions and behavior are consistent with the components of practical wisdom and she can be called the model of a successful woman in the culture of Iranian ethnic groups who has transmitted moral virtues in a heroic manner. From the point of view of practical wisdom in the field of personal morality, the lady is the wise, brave, chaste, believing and committed daughter of Rostam, the representative of the lady heroines who has become a model of virtue through her behavior and actions. In the field of house management and civil policy, the high position of the lady in the family represents the value of women in the original Iranian culture. Regardless of the attitude of the patriarchal society, she has an independent and militant personality whose femininity has not caused her to be weak in doing things, irresolute and incapable, compared to men. In the family, she is a righteous, brave, and responsible child who acts at father's discretion (the house manager).

Keywords: Banugoshasb, Lady Heroine, Practical Wisdom, Moral Refinement, House Management.

* PhD Candidate in Persian Language and Literature at Urmia University, (Corresponding Author) *rasghari701@gmail.com*

** Associate Professor in Persian Language and Literature at Urmia University, *b.nozhat@urmia.ac.ir*

*** Assistant Professor in Persian Language and Literature at Urmia University, *sh.razmjoo@urmia.ac.ir*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

۱. مقدمه

متون حماسی یادگار دوران باستان هستند که در اثنای روایت‌های اساطیری و حماسی یکی از بسترهای فرهنگی بیان اصول اخلاقی و حکمت عملی تلقی می‌شوند. در شکل مکتوب، حکمت عملی در ایران باستان در اندرزنامه‌هایی دیده می‌شود که شامل دستور معاشرت، شیوهٔ زندگانی، رفتار زبردستان با زیردستان، پرهیزگاری و دین‌داری و به‌عبارت‌دیگر مبانی اخلاقی است. در حقیقت، این رشته کتاب‌ها را باید به‌منزلهٔ حکمت عملی آن عهد درخشان تلقی کرد (معین، ۱۳۲۵: ۵۷). این مضامین بعد از اسلام نیز در قالب متون حماسی ادامه یافتند. یکی از موضوع‌های جالب توجه این متون و کلیهٔ آثار ادبی، بررسی جایگاه زن و مرد در حکمت عملی است که دستاوردهای جذابی در زمینهٔ تفاوت نگرش‌ها به‌دست می‌دهد و رهیافتی به کشف نگرش عمومی جامعه است.

ازآنجاکه برابری زن و مرد در جامعه مخدوش است، تصور غالب این است که مردان باید در حکمت عملی در کانون توجه قرار بگیرند و اعمال و رفتار آنها الگوی فضیلت‌های اخلاقی باشد. در آثار ادبی بارها دیده شده است که زنان نکوهش می‌شوند، و نگرش متناقض اسوه-های روشنفکری جامعه نیز دلیلی بر تقابل زن و مرد در ادبیات شده است؛ حال‌آنکه، اگر از دریچهٔ حکمت عملی به زندگی زنان در متون حماسی بنگریم، ایزدبانوان و پهلوان‌بانوان الگوی زندگی قرار گرفته‌اند، و حتی در جامعهٔ مردسالار، مردستیز و خودساخته‌اند و دربرابر قوانین مردسالار ایستاده‌اند. تعداد این متون اندک است و نگرش منفی به زنان بر اندیشه‌ها غلبه دارد، اما در ادبیات ایران، نمونه‌های پهلوان‌بانوان و زنان عارفی وجود دارند که نمایندهٔ حکمت عملی شده‌اند و با اعمال و رفتارشان فضایل اخلاقی را آموزش داده‌اند.

در این مقاله، *منظومهٔ بانوگشسب‌نامه* از دید حکمت عملی بررسی شده است. سرایندهٔ این منظومه ناشناس مانده است و زمان تقریبی سرایش آن را قرن پنجم تا ششم دانسته‌اند که در آن دوره، حماسه‌سرایی رواج داشت و متولیان فرهنگی درصدد احیای حماسه‌های ایرانی برآمده بودند. از نظر صفا و ژول‌مول، این اثر متعلق به قرن پنجم است (صفا، ۱۳۶۹: ۳۰۱؛ مول، ۱۳۷۶: ۴۵)، اما مصحح کتاب بر این باور است که این منظومه احتمالاً بعد از سال ۵۲۰ هجری قمری نوشته شده است (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۱۳ـ۱۴). آیدنلو آن را بخشی از منظومهٔ *فرامرزنامه* معرفی کرده که بعدها به‌صورت منظومه‌ای مستقل از آن جدا شده است و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

نقصان نسخه‌های *فرامرزنامه* نیز این موضوع را تأیید می‌کند (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۸). موضوع اثر داستان زندگی بانوگشسب، دختر رستم، از جوانی تا ازدواج با گیو است. محتوای حکمت عملی در شخصیت بانو، جایگاه و رفتارش در خانواده و نیز دیدگاه خانواده به او برمبنای اصول حکمت عملی هدف این تحقیق است. پرسش‌های پژوهش از این قرارند:

۱. آیا منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه* می‌تواند الگوی داستانی حکمت عملی زنان باشد؟

۲. نمونه‌های حکمت عملی در شخصیت بانوگشسب، خانوادهٔ او، جامعه و در کل اعتقادات ایرانیان باستان چگونه است؟

۳. بانوگشسب در جایگاه پهلوان‌بانو و قهرمان زن این داستان چگونه توانسته الگوی حکمت عملی قرار بگیرد؟

۱. ۱. پیشینهٔ تحقیق

کتاب *بانوگشسب‌نامه* در تابستان ۱۳۸۲ به‌تصحیح روح‌انگیز کراچی منتشر شد. کراچی قبل از چاپ این مجموعه در مقاله‌ای با عنوان «بانوگشسب پهلوان‌بانوی حماسه‌های ایران» آن را معرفی کرد و در همان سال نیز مقاله‌ای با همین موضوع در مجلهٔ *آینهٔ میراث* چاپ کرد. بعد از ایشان، آیدنلو (۱۳۸۴) در مقالهٔ «مهین‌دخت، بانوگشسب سوار» این منظومه را معرفی کرد. او در مقالهٔ «پهلوان‌بانو» (۱۳۸۷)، ضمن معرفی پهلوان‌بانوان، ویژگی‌های بانوگشسب را بررسی کرد.

در سال‌های اخیر، پژوهشگران در تحقیقات ادبی خود به بررسی این اثر حماسی تمایل بیشتری نشان داده‌اند و در این زمینه پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های متعددی نوشته‌اند که در آنها از زوایای مختلفی، چون سبک‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، زیبایی‌شناسی، جنبه‌های غنایی و مطالعات تطبیقی، این منظومه را بررسی کرده‌اند. درباب موضوع حکمت عملی پایان‌نامه‌ای با عنوان «حکمت عملی در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه» در شهریور سال ۱۳۹۸ در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده است که *بانوگشسپ‌نامه* جزء جامعهٔ آماری آن است. این پایان‌نامه به‌دست ما نرسید و فقط بیست صفحهٔ آن رؤیت شد، ولی بررسی فهرست مطالب و صفحات نخست آن نشان می‌دهد که در آن، جایگاه پهلوان‌بانو در حکمت عملی مورد توجه قرار نگرفته است و نگارنده، بدون توجه به اصول حکمت عملی که در آثار فلاسفه بیان شده است، صرفاً اصول اخلاقی را با نمونه‌های شعری از متون بررسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

کرده است. شبیه همین موضوع، حکمت *نظری و عملی در شاهنامهٔ فردوسی*، از سجاد چوبینه در سال ۱۳۷۷ چاپ شده که فقط مضامین حکمی *شاهنامه* استخراج شده است.

اما دربارهٔ توجه به زنان در حکمت عملی، تنها یک مقاله با عنوان «حکمت عملی زنانه در خمسهٔ نظامی» از رضایی و اشرف‌زاده (۱۳۸۹) چاپ شده است که البته در آن صرفاً اخلاق زنان خمسهٔ نظامی بررسی شده و از آنچه موضوع تحقیق حاضر است کاملاً دور است. در این پژوهش، با هدف روشنگری جایگاه زنان در حکمت عملی، با تأکید بر پهلوان‌بانویی دختر رستم و تعلق او به خاندان پهلوانی ایران، رفتار او در ارتباط با اصول حکمت عملی بررسی می‌شود.

۱. ۲. روش

این تحقیق با رویکرد حکمی‌ـادبی به متون حماسی با روش توصیفی‌ـتحلیلی و با استناد به روش کتابخانه‌ای به پژوهش در منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه* پرداخته است.

۲. یافته‌ها

۲. ۱. حکمت عملی

حکمت عملی در عام‌ترین تعریف «همان چیزی است که علم اخلاق نامیده می‌شود» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۹: ۲). در تعریف خاص، حکمت عملی یک دانش اخلاقی است که در امتداد حکمت نظری و برای تکمیل آن ایجاد شده است. اصلی‌ترین تفاوتش با حکمت نظری ارتباط آن با اراده و عمل انسان است. حکمت نظری صرفاً دانستن احکام است و چون با ارادهٔ انسان ارتباط ندارد، موضوع آن فقط شناخت است و عملی در آن صورت نمی‌گیرد، اما در حکمت عملی با شناخت موضوع‌ها می‌توان به آن عمل کرد (ابن‌سینا، ۱۴۰۰ق: ۳۰). در واقع، موضوع آن فعل ارادی انسان است که در مسیر سعادت واقعی او قرار دارد (فارابی، ۱/۱۴۰۸ق: ۳۱۳). فارابی و ابن‌سینا از نخستین فیلسوفان اسلامی هستند که در آثارشان به این مقوله توجه کرده‌اند. بعد از آنها، خواجه نصیرالدین طوسی در *اخلاق ناصری* تعاریف و اقسامی را، که فارابی و ابن‌سینا به‌طور پراکنده آورده بودند، به‌گونه‌ای منسجم و مشخص بیان کرد. بعدها، ملاصدرا نیز به آن توجه کرد. زبدهٔ اندیشهٔ آنها این است که مجموعهٔ فضایل اخلاقی حکمت نظری، در حکمت عملی به رفتارها و کردارهای اخلاقی تبدیل می‌شود و ازآنجاکه به ارادهٔ انسان مربوط می‌شود، سعادت و شقاوت انسان در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

گرو آن است. خواجه نصیر در *اخلاق ناصری* در تعریف حکمت عملی گفته است: «و آن دانستن مصالح حرکات ارادی و افعال صناعی نوع انسانی بود بر وجهی که مؤدی باشد به نظام احوال معاش و معاد ایشان و مقتضی رسیدن به کمالی که متوجهند سوی آن» (طوسی، ۱۳۵۶: ۴۰).

در تقسیم‌بندی و اقسام حکمت عملی نظرهای مشابهی وجود دارد. به‌طورکلی، اقسام حکمت عملی به دو جنبهٔ اخلاق فردی و جمعی مربوط می‌شود؛ در جنبهٔ فردی از آن با عنوان «تهذیب اخلاق» یاد کرده‌اند و در جنبهٔ جمعی آن را «تدبیر منزل» و «سیاست مُدن» نامیده‌اند. تدبیر منزل مشارکت فرد در امور خانه و خانواده و سیاست مُدن در پیوند فرد با جامعه است. «پس حکمت عملی نیز سه قسم بود: و اول را تهذیب اخلاق خوانند و دوم را تدبیر منازل و سیم را سیاست مُدن» (همان).

۲. ۲. حکمت عملی و جایگاه زنان

وقتی صحبت از اخلاق و حکمت عملی است، زن و مرد باهم مساوی‌اند و هرکدام قابلیت این را دارند که در مسیر درست یا غلط قرار بگیرند و در آثار فیلسوفانی که مبحث حکمت عملی را مورد توجه قرار داده‌اند، برتری مرد بر زن مطرح نیست. زنان در اسطوره‌های ایرانی دو شخصیت دارند: شخصیت مثبت، شامل ایزدبانوان، پهلوان‌بانوان و پریان، و شخصیت منفی، که زنان دیوصفت و عفریت را دربرمی‌گیرد. مردان نیز در وجه منفی در قالب دیو، اهریمن، پادشاه ستمگر و ضحاک و در وجه مثبت در هیئت پادشاه عادل و ظلم‌ستیز و پهلوان ظاهر شده‌اند. با آمدن اسلام، همین نگرش در فرهنگ ایرانی باقی ماند و در دورهٔ اسلامی با دین اسلام آمیخت. نظر اسلام نیز همین است که زنان و مردان در مسیر درست انسان‌های شایسته‌ای هستند که می‌توانند به جایگاه عارف و انسان کامل برسند یا اینکه به شهوات بگرایند. نمونهٔ صریح در قرآن کریم در سورهٔ نحل آیهٔ ۹۷ آمده است که معیار پاداش عمل صالح است و زن و مرد، هرکدام مؤمن باشند، پاداش دریافت می‌کنند. در آیهٔ مزبور، عمل صالح معیار رستگاری است و زن یا مردبودن در آن مهم نیست.

با نگاهی به آثار ادبی ـ‌که گویای اخلاق، فرهنگ و دین جوامع هستند و می‌توان با بررسی آنها به مفاهیم حکمت عملی در افراد و ساختار آن جامعه پی برد‌ـ می‌بینیم که زنان نیز در جامعه حضور جدی دارند، اما نگرش غالب در جامعه مردسالارانه است و نکوهش زن برجسته‌تر از ستایش او در ادبیات ما جلوه کرده است. همین مسئله زنان را از اینکه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

اسوه‌های اخلاق باشند، دور نگه داشته است؛ برای نمونه، مولانا از مقام والای مادر، در سخیف‌ترین شکل، نماد نفس ساخته (مولوی، ۲/۱۳۹۷: ۳۰۴ـ۳۰۹) و مرد را در مقابل زن، نماد عقل آورده است، اما اگر با تأمل نگریسته شود، نمونه‌هایی که در نکوهش زنان است، اندیشهٔ اصلی نویسندگان نیست. چنان‌که می‌بینیم، در کنار نکوهش زنان، در جای‌جای *شاهنامه*، از دلاوری، هوشیاری، عقل و درایت زنان سخن گفته شده و مقام و منزلت زن بالا رفته است و در کنار نکوهش زنان، از زنانی برجسته و شاخص یاد شده که هرکدام ویژگی‌های قهرمان را دارند (رنجبر، ۱۳۶۹: ۱۶۷ـ۱۷۳؛ نجاری، ۱۳۹۰: ۱۱). مولانا نیز در *مثنوی*، حضرت مریم و لیلی را به مقام حق و انسان کامل رسانده است (مولوی، ۴/۱۳۹۷: ۱۵۳۹؛ و ۶: ۱۹۱۳). رابعه، از زنان برجسته، عارفی است که او را نمایندهٔ حکمت عملی زنانه در تاریخ عرفان می‌توان نامید. او هرگز ازدواج نکرد. مردان در خانهٔ او رفت‌وآمد می‌کردند و حکمت‌های اخلاقی از او می‌آموختند و هیچ‌گاه در ادبیات به زنانگی او نگاه منفی نشده است. عطار نیشابوری در *تذکرةالاولیاء*، نام او را ذیل «اولیاء حق» آورده و در معرفی‌اش، با این احتمال که ممکن است عده‌ای از او انتقاد کنند، به عیب‌جویان پاسخ داده است: «حقیقت آن است که اینجا که قوم هستند همه نیستِ توحیدند. در توحید وجود من و تو که ماند تا به مرد و زن چه رسد» (عطار نیشابوری، ۱۳۹۱: ۶۱).

در ایران باستان، هرچه با وجه معنوی انسان ازجمله جنبه‌های مینوی، خرد و دانایی، کلام و سخن، روشنایی و نمایاندن راه ارتباط دارد، مؤنث و زنانه است (میرخوشخو و عالم، ۱۳۹۶: ۲۰۷) و ایزدبانوان و پهلوان‌بانوان برجسته‌ترین الگوهای اخلاقی هستند. بانوگشسب نمونه‌ای از این زنان است که اگر زندگی او با استفاده از مبانی حکمت عملی بررسی شود، ارزش‌های اخلاقی جامعه و خانواده در فرهنگ ایرانی روشن می‌شود. همچنان‌که قصه‌های حماسی در کنار اوصاف پهلوانی سرشار از مضامین تعلیمی و اخلاقی‌اند (صفا، ۱۳۶۹: ۹) و «پاره‌ای از هویت فراموش‌شدهٔ یک قوم را آشکار می‌کنند» (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۹).

منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه*، اولین منظومهٔ حماسی است که قهرمان آن زن است. شخصیت، اعمال و رفتار بانو از منظر حکمت عملی نمایندهٔ جایگاه زنان در فرهنگ ایرانی‌ـاسلامی است و ورای ظاهر حماسی‌اش، الگوی زندگی خانوادهٔ ایرانی را نشان می‌دهد. «خواندن این منظومه نشان می‌دهد که شاعر، با استفاده از عنصر عاطفه و احساس، در کنار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

توصیف لحظه‌های جنگاوری و نبردهای تن‌به‌تن، به بیان و تشریح عواطف و درون پهلوانان نیز پرداخته است» (مهماندوست، ۱۳۹۸: ۱۲).

۲. ۳. تحلیل مبانی حکمت عملی در *بانوگشسب‌نامه*

۲. ۳. ۱. تهذیب اخلاق

فضایل اخلاقی سبب سعادت فرد در خانواده و جامعه می‌شود و انواع بسیاری برای آن ذکر شده است. به‌طورکلی، همهٔ خصلت‌های خوبی که باید در انسان وجود داشته باشد از نوع فضایل است. خواجه نصیرالدین طوسی در فصل چهارم *اخلاق ناصری* انواع مختلفی با عنوان «اجناس فضایل» آورده است؛ ازجمله خردمندی، خویشتن‌داری، شهامت، شجاعت، عدالت، بلندهمتی، عفت و حیا، بردباری، بخشندگی، عبادت و... (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۱۲ـ۱۱۷).

برمبنای حکمت عملی، شخصیت بانوگشسب به‌لحاظ اخلاقی مهذّب است و تفکر و رفتار ناشایست از او سرنمی‌زند. او یک ایزدبانو و پهلوان است. از جنبهٔ زنانگی، با عنوان «بانو» در سراسر منظومه مخاطب قرار گرفته که از ایران باستان و دورهٔ اسلامی تاکنون رایج است. این واژه در فارسی میانه به‌معنای «زن بزرگ‌زاده» آمده است (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۲۵). دهخدا ذیل واژهٔ «بانو» نوشته است: «گمان می‌کنم بانو از «بان» به‌معنی حارس، حافظ و دارنده است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژهٔ بانو)، اما «گشسب» به‌معنای «دارندهٔ اسب نر» (همان، ذیل گشسب) است و جنگاوری و دلاوری او را می‌رساند و او را از زن سست و عاجز جدا می‌کند. می‌توان گفت بانو زن‌ایزد نگهبان است و جنگاوری شاخصه و لازمهٔ نگهبان‌بودن اوست. این اسم تأکیدی بر شهامت مردانهٔ یک زن است و بی‌شک ارزشمندی و اهمیت زنان بزرگ‌زاده را در فرهنگ ایران نشان می‌دهد. از ویژگی‌های زنانه، زیبایی‌اش در منظومه تکرار شده است: «بانوی ماه‌وش» (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۱۱۶)، «مه گلعذار» و «خوب‌رخ پاک‌دخت جوان» (همان، ۱۱۷). زیبایی صفت ایزدبانوان و پهلوان‌بانوان است و زن‌ایزدان غالباً به خوش‌اندامی و خوب‌رخساری توصیف شده‌اند (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۱۸). بانو در رفتار و کردار «گرانمایه‌بانو» (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲ :۱۱۱) و در مقابل دشمن «بانوی یل» (همان، ۱۱۲) است و همواره «گرز» با خود دارد، دیوان و دشمنان نمی‌توانند بر او غلبه کنند، و جنگاوری او در نبرد با رستم از سوی پدر تأیید می‌شود. وقتی رستم به‌صورت ناشناس به‌دنبال بانو و فرامرز می‌رود و با آنها می‌جنگد، بانو در نبرد پای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

رستم را از رکیب جدا می‌کند. رستم در این زمان شادمان و آسوده‌خاطر می‌شود که دشمن بر آنان چیره نخواهد شد (همان، ۸۰).

خداباوری و توکل بر خداوند، که مهم‌ترین بخش حکمت عملی در حوزهٔ اخلاق است و در حماسه نیز بسیار توجه‌برانگیز است، ویژگی اخلاقی بانو و دیگر اعضای خانواده است. توکل بر خدا، به‌ویژه قبل از جنگ، و سپاسگزاری از خداوند بعد از جنگ در *شاهنامه* هم بسیار آمده است و خداباوری کمترین مسئولیت انسان در مقابل خداست (چوبینه، ۱۳۷۷: ۶۹). در این منظومه، خانوادهٔ رستم در هر کاری به خداوند تکیه دارند، بانو نیز همین تفکر را دارد و در مشکلات از خدا یاری می‌طلبد. در نبرد با پدر وقتی احساس شکست می‌کند در دل خدا را می‌خواند و طلب کمک می‌کند:

بنالیـــد از دل بـــه پروردگـــار — که ای خالق و رازق مـور و مـار
به پاکی ذات و بـه یکتـایی‌ات — که گیتی ندیده‌ست همتـایی‌ات
به قدر و بـه اعـزاز پیغمبـران — که هستند در راه دین سـروران
که دشمن نسازی به ما شادمان — نیاری شکست اندرین دودمـان

(*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۸۴)

زمانی که شاهان هند خواستگار بانو می‌شوند، رستم آنها را مناسب دخترش نمی‌بیند، اما ازآنجاکه هرسه عاشق‌اند و دادن جواب رد به آنها ممکن است سبب جنگ شود، با زال مشورت می‌کند. زال شرط می‌گذارد که هرکس بتواند بانو را از روی اسب برباید، حق دارد با او ازدواج کند. هرسه شاه با سپاه برای روز انتخاب می‌آیند. زال با دیدن آنها نگران می‌شود، اما بانو با توکل بر خدا به پدربزرگ می‌گوید وقتی به خداوند تکیه دارد جای نگرانی نیست؛ زیرا اگر خداوند یار او باشد، هیچ‌کس هم‌نبرد او نخواهد شد و با توکل به خدا پیروز خواهد شد.

بخندید بـانو کـه ای پهلـوان — به اندیشه مسپار روشـن روان
پنـاهم بـه یـزدان فریـادرس — به سختی نگیرد مرا دست کس
اگر یـار باشـد خداونـد هـور — فزاینـــدهٔ دانـــش و فـــرّ و زور
از ایشان نباشد کسم هم‌نبـرد — ندانم ز هندی کسی را به مـرد
به نیروی جان‌آفـرین کردگـار — نبینند پشـتم کـس از کـارزار

(همان، ۱۱۰)

بانو فرزندی صالح است و عملی که به خشونت خانواده علیه او منجر شود انجام نمی‌دهد. نزد پدر با شرم و حیا «سر خویش بر پشت پای» می‌افکند (همان، ۱۲۷). به‌گفتهٔ مزداپور:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

«او زن خوب و فرمانبر و پارساست که پهلوان هم هست و در پهلوانی دلربایی زنانهٔ او بیداد می‌کند» (مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۷۳ـ۱۷۴). او در کنار خانواده، با ایمان و تعهد اخلاقی و شاد زیسته است. شادبودن و شاد زندگی‌کردن در فرهنگ ایرانی بسیار توصیه شده است. زندگی بانو و خانواده‌اش هم در شادباشی سپری شده و عنصر شادمانی در این منظومه عنصری بنیادین است. بانو حتی در خطیرترین لحظات شادمان است (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۷۶). صحنه‌های باده‌نوشی و کباب‌خوردن در سرتاسر منظومه تکرار شده است. وقتی بانو همراه برادرش به نشاط و شکار می‌رود و کباب و شراب می‌خورند، شاعر در آنجا توصیه کرده که در زندگی شاد باشیم:

نشستند هردو به شادی به هـم نبدشان ز دوران به دل هیچ غـم
به گیتی ندانم ازین بـه سـخن که غمگین نباشی ز چـرخ کهـن
(*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۶۶)

۲. ۳. ۲. تدبیر منزل و سیاست مُدن: جایگاه بانوگشسب در خانواده و جامعه

«تدبیر منزل» در حکمت عملی به موضوع روابط و وظایف اعضای خانواده مربوط می‌شود. فارابی اولین فیلسوفی است که به این موضوع پرداخت و ابن‌سینا آن را مفصل‌تر بیان کرد. در نظر فارابی، خانواده باید مدبری داشته باشد که امور منزل را اداره کند (فارابی، ۱۳۸۸: ۵۷) و هدف نهایی‌اش سعادت اعضای خانواده باشد؛ بنابراین، مدبر منزل راهنمای سعادت است (همان، ۱۵۹). ابن‌سینا عقیده دارد که ادارهٔ منزل، بین همسران و فرزندان و غلامان و مملوک مشترک است (ابن‌سینا، ۱۳۲۶: ۱۰۶) و هرکدام از اعضا نیز با فضایل اخلاقی فردی در سایهٔ تدبیر مدبر منزل به راه سعادت هدایت می‌شوند. فرزندان باید حقوق پدر و مادر را رعایت کنند و در قول و عمل رضای او را بطلبند و دربرابر آنها تواضع داشته باشند (طوسی، ۱۳۵۶: ۲۳۸ـ۲۳۹).

در منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه*، خانوادهٔ رستم نمایندهٔ سطح کوچکی از جامعهٔ ایران باستان در حوزهٔ حکمت عملی است. همان‌گونه که در بخش قبل بررسی شد، خداباوری، خردمندی، و اخلاق نیکو در اعضای خانوادهٔ رستم دیده می‌شود. رستم مدبر منزل است که خود از پدرش، زال، مشورت می‌گیرد و برپایهٔ نظر او عمل می‌کند. بانوگشسب، فرزند بزرگ‌تر، و فرامرز، فرزند کوچک‌تر خانواده، در کارهایشان با پدر و پدربزرگ مشورت می‌کنند. رفتار و کنش اعضای خانواده در جامعه برمبنای خردمندی، خداباوری، مشورت،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

مهربانی، دشمن‌ستیزی، نفی غرور و دیپلماسی است. ابراز خشونت آنها صرفاً دربرابر دشمن است که اگر به صلح نگراید، با او مبارزه می‌کنند و در این راه شهادت را بر زبونی‌کشیدن از دشمن ترجیح می‌دهند. در این خانواده، زال و رستم وظیفهٔ خود می‌دانند که فرزندان را برای زندگی اخلاقی و دشمن‌ستیز آماده کنند که نه‌تنها در خانه بلکه در جامعه نیز به سعادت دست یابند و باعث سربلندی خانواده باشند. رستم از بیم اینکه فرزندانش در مقابل دشمن شکست بخورند و موجب سرافکندگی شوند، در یک مبارزهٔ ساختگی و با چهرهٔ پوشیده با آن‌دو مبارزه می‌کند و وقتی شجاعت و جنگاوری آنها را می‌سنجد، می‌گوید دشمن نمی‌تواند آسیبی به شما برساند؛ زیرا خدا نگهدار شماست و آنها را به خدا می‌سپارد.

شما را چه اندیشه از دشمن است — خداتان نگهدار جان در تن است
شما را سپردم به پروردگار — به میدان رزم و به دشت شکار
شما را ز دشمن نباشد گزند — سر دشمن آرید در زیر بند
ز دشمن دلم بود زار و نژند — چو دیدم شما را نباشد گزند

(*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۸۵)

رابطهٔ بانوگشسب با رستم، در کل منظومه، رابطه‌ای احترام‌آمیز است و خشونت و تحمیل میان آنها دیده نمی‌شود. در تدبیر منزل، وظایف پدری و فرزندی حفظ شده است و بانو با چنین تدبیری بزرگ شده و در جامعه زن موفقی است. محققان در پژوهش‌هایی که دربارهٔ این منظومه انجام داده‌اند، به‌سبب ارتباط‌دادن محتوای منظومه به دورهٔ مادرسالاری، رفتار بانو را اعتراض و انتقاد او به جامعهٔ مردسالار معرفی کرده‌اند. مصحح کتاب و صاحبان مقالات، متفق‌القول، بنیهٔ این داستان را مربوط به دورهٔ مادرسالاری، اما زاییدهٔ دورهٔ مردسالاری می‌دانند؛ و در کل، داستان پهلوان‌بانوها زاییدهٔ فرهنگ مردسالاری معرفی شده است (مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۷۳). با تکیه بر این موضوع، بخشی از اعمال و رفتار بانوگشسب را به واکنش او در مقابل جامعهٔ مردسالار نسبت داده‌اند. محققان بر شکست‌دادن خواستگاران، انتخاب همسر به مصلحت‌اندیشی پدر، به‌بندکشیدن همسر بانوگشسب، گیو، تأکید کرده‌اند و ویژگی‌های پهلوانی او را، همچون کشتن دیوان، بافندگی، سوزن‌دوزی و رفتن به شکار، مربوط به عصر مادرسالاری می‌دانند (ستاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰). دورهٔ مادرسالاری قبل از دورهٔ مردسالاری است و حدود تاریخی آن به قبل از ورود آریایی‌ها به ایران مربوط است، اما در فرهنگ آریایی، مردسروری و پدرشاهی اصل اساسی است (مزداپور، ۱۳۸۷:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

۲۹۲). به‌عبارتی، بنیهٔ اولیهٔ منظومه را باید به تاریخی قبل از سرایش *شاهنامه* برسانیم که در دورهٔ مردسالاری سروده شده است، و اعمال بانو واکنشی به این جامعهٔ مردسالار است. کراچی دربارهٔ شخصیت بانو چنین گفته است: «او در این حماسه نماد زن آرمانی در فرهنگ ایرانی است. بانوگشسپ کهن‌الگو و صورت نوعیِ زنی است که به‌شکل پیکارگر متجلی شده است، زنی که دربرابر توانایی و تسلط مرد مقاومت کرده و فرمانبردار محض حکم‌های مردانه نیست» (کراچی، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

همچنین، کراچی در مقدمهٔ منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه* این سؤال را مطرح می‌کند که «واقعیت زمانه و روحیهٔ قهرمان‌طلبی قوم ایرانی چه انگیزه‌ای داشت که به زن نقش پهلوانی داد؟» (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۹). در ادامه، در توجیه وجود این قبیل حکایت‌ها می‌گوید که این حکایت‌ها، اسطورهٔ دگرگون‌شده از اقوام نجد در ایران هستند:

> درون‌مایهٔ اصلی این حکایت‌ها، دلاوری‌های زنی پهلوان است که نمودهای فرهنگ کهن اقوام ایرانی را به‌همراه دارد و احتمال می‌رود که بازماندهٔ اسطوره‌های دگرگون‌شدهٔ دوران بسیار دور اقوام ساکن در نجد ایران باشد که زن نقشی فروتر از مرد نداشت و به‌سبب دگرگونی‌های جامعه در نقش زنی پهلوان ظهور کرد (همان، ۱۰).

آیدنلو نیز در بررسی این منظومه چنین نظری دارد و بر این باور است که مضمون آن در انگاره‌های کهن ریشه دارد: «صرف‌نظر از این موضوع کلی که بانوگشسب دختر رستم است و افراد خاندان گرشاسب و رستم اعم از زن و مرد در روایات ایرانی معمولاً شرزه‌خو و جنگجوی‌اند، به‌نظر می‌رسد که مضمون بانوی پهلوان و دلاور، ریشه در الگوها و انگاره‌های کهن دارد» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۳۴).

برخی محققان در مقالهٔ دیگری، با تکیه بر تحلیل روان‌شناختی منظومه، آن را به دورهٔ مردسالاری ارتباط داده و برمبنای تحلیل روان‌شناختی یونگ گفته‌اند که این اعمال پهلوانی از خود بانو نیست، بلکه تأثیر القایی کهن‌الگوی آنیموس (روان مردانهٔ درون زن) است و نمی‌توان رفتار جنگاورانهٔ بانو را نشانهٔ زن‌سالاری دانست (ستاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷).

حاصل تحقیقات این است که داستان بانوگشسب، بازمانده‌ای از عصر زن‌سروری و مادرسالاری در عصر مردسروری و پدرسالاری است و بانوگشسب با واکنش‌های مردانه و جنگاوری به قوانین جامعهٔ مردسالار اعتراض کرده است. با قبول این گفته‌ها، اگر منظومهٔ پیش‌گفته را با مؤلفه‌های حکمت عملی واکاوی کنیم، نه‌تنها اعتراض به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

مردسروری در آن نیست، بلکه منظومه می‌تواند احترام به زن در جامعهٔ مردسالار در فرهنگ اصیل ایرانی تلقی شود.

طبق منظومه، بانو زنی از خاندان پهلوانی و فرزند رستم است. نه در این منظومه، بلکه در *بهمن‌نامه*، *فرامرزنامه*، و *شهریارنامه*، بانوگشسب دختر رستم و خواهر فرامرز است و به جنگاوری و خردمندی مشهور است و اعمال پهلوانی او واکنشی به جامعهٔ مردسالار نیست. دلیل محکم این ادعا نیز حمایت خانواده از جنگاوری اوست. بانوگشسب با ویژگی‌های زن‌سروری در منظومه حضور دارد که در تقابل با جامعهٔ مردسالار، تساوی زن و مرد دست‌کم از سوی خانوادهٔ خودش پذیرفته شده است. او فقط با جامعه‌ای که زن را ضعیف می‌داند مقابله می‌کند؛ نمونهٔ آن، نبرد او با «تمرتاش» فرستادهٔ افراسیاب است که کنش بانوگشسب برای حفظ عزت نفس، حفظ خانواده و آبروی خاندان و نفی ضعیف‌بودن زن انجام می‌شود.

تمرتاش، که برای بردن بانوگشسب به دربار افراسیاب آمده بود، دربارهٔ جنگاوری و دلاوری خود رجزخوانی کرد و از بانو خواست رام او شود که اگر دست به شمشیر ببرد پشیمان خواهد شد:

که هرچنـد گُـردی و نـام‌آوری بـه مـردان نتـابی گـه داوری

(*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

بانو در مقابل این یاوه‌گو شمشیر می‌کشد و او را به دو نیم می‌کند.

برآشفت ازین گفته بانوگشسـپ ز جا جست مانند آذرگشسپ
ز بیمش نهان شد به زیـر سـپر روان تیغ تیز از سپر شد به در
برون کرد از ترگ خـود سـرش ببرید سر تا به سـر پیکـرش

(همان، ۱۰۲)

بانوگشسب، مطابق تمهید حکمت عملی، پیرو مدبر منزل است. این گفته از آنجا تأیید می‌شود که هیچ‌گونه خشونتی علیه زنان و بانوگشسب در داستان مشاهده نمی‌شود و هیچ حکم مردانه‌ای بر او تحمیل نمی‌شود. همین کافی است تا بگوییم از منظر حکمت عملی، جایگاه زن و مرد در فرهنگ ایرانی یکسان است. مصحح در مقدمهٔ منظومه بیان کرده است: «اگر اصل قصه را متعلق به دورهٔ سنت‌های شفاهی کهن بدانیم، شاید یکی از اهداف سرودن *بانوگشسب‌نامه* در زمان‌های بعد، پروردن زنی شجاع، مستقل و خودباور است تا مظهر زن ایرانی و دارندهٔ تمام صفات دل‌خواسته باشد» (همان، ۱۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

هدف منظومه هرچه باشد، حتی اگر آن را داستانی خیالی در نظر بگیریم، ازآنجاکه در سنت شفاهی مردم وجود داشته است، با قاطعیت می‌توان گفت که در جامعه و میان مردم، زنان نام‌آور الگوی زندگی قرار گرفته‌اند و چنین نگرشی به زن در ایران باستان وجود داشته است و خواسته یا ناخواسته در متون ادبی بیان شده است. از دید برخی پژوهشگران، زن در ایران باستان در پیشرفت تربیت اخلاقی و روحی تمام ملت سهم بسزایی داشته و مانند یک مربی اخلاق عمل می‌کرده است (کاتراک، ۱۳۴۳: ۱۶). هیچ‌کدام از محدودیت‌هایی که در جامعهٔ مردسالار بر زنان تحمیل می‌شده است در منظومه شاهدی ندارد. خواجه نصیر در مبحث حکمت عملی، در بخش تدبیر منزل، دربارهٔ زنان گفته است که زنان باید در خانه بمانند و فقط به همسرداری و مصالح خانه بپردازند و بیرون نروند که موجب فساد می‌شود (طوسی، ۱۳۵۶: ۲۱۸)، ولی چنین نگرشی در منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه* جایی ندارد. در نگاه رستم، هیچ تفاوتی میان بانو و فرامرز به‌وضوح دیده نمی‌شود، بلکه داستان از جایی آغاز می‌شود که رستم مسئولیت پرورش و تربیت فرزند کوچکش، فرامرز، را به‌عهدهٔ بانو می‌گذارد. اگر تحمیل جامعهٔ مردسالار بود، رستم مانع رفتن بانو به شکار می‌شد و تربیت فرامرز نوجوان را به او نمی‌سپرد؛ زیرا در جامعهٔ مردسالار، زنان فقط کودکان را پرورش می‌دهند، از خانه خارج نمی‌شوند و وظیفهٔ اصلی‌شان خانه‌داری و همسرداری و فرزندآوری است. ولی، می‌بینیم که رستم مسئولیت فرامرز را به بانو می‌سپارد تا همواره با او باشد و شکارکردن را به او بیاموزد. بانو نیز از این مسئولیت خوشحال می‌شود:

یکی روز رستم یل پاکدین — طلب کرد بانوگشسپ گزین
فرامرز نامی مر او را سپرد — بدو گفت کای نامبردار گُرد
فرامرز جنگی‌تر از رستم است — نه نیروی او از تهمتن کم است
تو با او به هر نیک و بد یار باش — ز هر خوب و زشتش نگهدار باش
به راه و به خواب و به بزم و شکار — مبادا که تنها بود نامدار
دل بانو از پهلوان شاد شد — فرامرز چون سرو آزاد شد

(*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۵۶)

بانو بافندگی را از شاه پریان یاد می‌گیرد و نقش و نگارکشیدن با سوزن از او به یادگار مانده است (همان، ۵۹). او پیوسته به شکار می‌رود و با دشمنان مبارزه می‌کند. این موارد همگی نشان می‌دهد که رستم مادرسالاری را برای بانوگشسب پذیرفته است و دخالت‌دادن بانو در تربیت فرزند کوچک‌تر، تدبیر او برای سهیم‌کردن اعضا در سعادت خانواده است. در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

منظومه‌های بعدی، که داستان فرامرز در آن آمده است، بانو همچنان مراقب برادر است، تا اینکه فرامرز به‌دست بهمن (پسر اسفندیار) کشته می‌شود و بانو هم بعد از چندین‌بار گریختن، اسیر بهمن می‌شود. در این منظومه، در بخش اول، مراقبت از فرامرز برعهدهٔ اوست و رستم و زال، در جایگاه مدبّران منزل، دورادور مراقب فرزندان هستند. زال وقتی می‌بیند آنها تا نزدیک سرزمین دشمن رفته‌اند و بیم آن است که به دام دشمن بیفتند و این مایهٔ ننگ شود، «به ما ننگ ماند ز خرم جهان» (همان، ۶۴)، از رستم می‌خواهد که آنها را گوشمالی دهد. رستم ناشناس به جنگ و پیکار با آنها برمی‌خیزد. در پایان، وقتی متوجه می‌شود که فرزندان به نیروی پهلوانی آزموده شده‌اند و دشمن به‌راحتی بر آنها چیره نمی‌شود، خدای را شکر می‌کند و آنان را به خدا می‌سپارد. در واقع، او با سیاستی نیکو فرزندان را می‌آزماید و خشونتی به‌کار نمی‌برد. از نظر فارابی، اگر سیرت نیکو باشد، سیاست نیز نیکو خواهد بود (فارابی، ۱۳۵۴: ۵۹).

مسئلهٔ مهم دیگر، ازدواج بانو است که از منظر حکمت عملی درخور بررسی است. او پهلوان‌بانو و فرزند رستم است و مسلماً ازدواجش نباید عادی باشد و باید با اعمال پهلوانی صورت بگیرد. خواستگاران او شیده، پسر افراسیاب، تمرتاش تورانی، شاهان هند و روم و چین و پهلوانان ایرانی هستند. ابتدا، شیده عاشق او می‌شود. تمرتاش برای بردن بانو نزد او می‌آید و وقتی از او درخواست ازدواج می‌کند، بانوگشسب همانجا او را به ضرب شمشیر می‌کشد. شیده نیز از ترس از عشق دست می‌کشد. خواستگاران هندی نیز طی مسابقه‌ای، به‌روش دیپلماسی، که زال و رستم اجرا می‌کنند، با اعمال پهلوانی بانوگشسب، کشته یا تسلیم می‌شوند و به کشور خود بازمی‌گردند. شاهان دیگر کشورها نیز از بانو شکست می‌خورند.

بعد از آنها، پهلوانان ایرانی بر سر تصاحب بانوگشسب به جنگ می‌پردازند. در اینجا، رستم، در جایگاه مدبر منزل، طی مسابقه‌ای، داماد را انتخاب می‌کند. بر زمین فرش پهن می‌کند تا پهلوانان روی فرش بنشینند، سپس به نیروی خداوندی فرش را می‌تکاند، هر کس روی فرش ماند و به زمین نیفتاد، شایستهٔ دامادی او است. در این رزمِ پهلوانی، گیو روی فرش می‌ماند و به‌عنوان داماد انتخاب می‌شود. اما بانو در ابتدا بر او سخت می‌گیرد و دستانش را می‌بندد، تا اینکه رستم از او می‌خواهد گیو را بپذیرد. مصحح و محققان بندکردن گیو را اعتراض بانو به جامعهٔ مرد/پدرسالار می‌دانند که چون حق انتخاب نداشته است، به نشانهٔ اعتراض، دستان گیو را در شب ازدواج می‌بندد و به‌جای تمکین، او را به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

گوشه‌ای می‌اندازد تا «ثابت کند او زنی مطیع و منفعل نیست تا به‌جای او دیگران تصمیم بگیرند» (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۹). گفتنی است در جامعهٔ ایران همواره، به‌دلیل نابرابری زن و مرد، زنان به جدال با مردان پرداخته‌اند. ممکن است پهلوان‌بانوان نمایندهٔ این زنان باشند، چنان‌که آیدنلو گفته است:

> از نگاه جامعه‌شناسانه ـخصوصاً در محدودهٔ روایات ایرانیـ با درنظرداشتن حاکمیت دیرباز نظام پدرسالاری در فرهنگ ایران و خوارداشت زنان/دختران، می‌توان بودن زنان پهلوان و پرخاشخر در عرصهٔ داستان‌ها را اعتراضی نمادین به سنت و تفکر غالب و کوشش برای نمایاندن هنر و توان ارزشمند زن ایرانی ـولو در قالب داستانـ دانست (آیدنلو، ۱۳۸۷: ۱۶).

اما از منظر حکمت عملی، در ازدواج بانو در این منظومه خشونتی از سوی پدر یا نارضایتی آشکار بانوگشسب دیده نمی‌شود. پدر خانواده و پدربزرگ، به‌دلیل وظیفهٔ مدیریتی خود، در انتخاب داماد دخالت می‌کنند و با سنجش شایستگی خواستگاران، فردی متناسب برای بانو انتخاب می‌کنند که این انتخاب برای سعادت کل خانواده و خاندان رستم مهم است. در حکمت عملی هم، هدف نهایی از علم اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن، دست‌یابی به خیر و سعادت است (فارابی، ۱۳۵۴: ۲۵۳ـ۲۵۱). رستم در ردکردن خواستگاران هندی، مسیر دیپلماسی را در پیش می‌گیرد و با وقوف به توانایی فرزندش، مسابقه‌ای ترتیب می‌دهد؛ زیرا می‌داند اگر بانو را به یکی از آنها بدهد، دیگری با خاندان او دشمن می‌شود: «اگر یک شود دوست، دو دشمن‌اند» (*بانوگشسب‌نامه*، ۱۳۸۲: ۱۰۸). مهم‌تر اینکه، ازدواج بانو به بحث تقابل ایران و انیران ارتباط می‌یابد. همیشه در حماسه، ایرانی در مقابل انیرانی قرار گرفته و در امر ازدواج مسلماً ازدواج با غیرایرانی برای زن نکوهش شده است، حتی در دین اسلام نیز ازدواج زن با مرد غیرمسلمان جایز نیست. از طرفی، گیو از لحاظ تبار پهلوانی، فرهنگ خانوادگی، و معیار جامعه‌شناختی، فردی مناسب برای ازدواج با بانو است. گیو در دعوا با گرگین دربارهٔ برابری با بانو چنین می‌گوید:

جهان‌پهلوان هم‌تبار من است کنون دخت او جفت و یار من است

(همان، ۱۱۷)

به‌بندکشیدن گیو شاید اعتراض به حق انتخاب همسر باشد، هرچند در رفتار بانو نشانه‌ای مبنی بر این تفکر نیست، ولی در حکمت عملی نشان‌دادن زور و دلاوری و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

چیرگی زن بر مرد هم می‌تواند باشد. بانو در شب ازدواج، بر گیو مشت می‌کوبد و دستانش را می‌بندد و او را به‌گوشه‌ای می‌افکند. زمانی که این خبر به رستم می‌رسد، آن را به فال نیک می‌گیرد و می‌گوید:

چو در اولش بند و سختی بود سرانجامشان نیک‌بختی بود

(همان، ۱۲۷)

رفتار رستم با جامعهٔ مردسالار همسو نیست؛ زیرا اگر چنین بود، دربرابر این رفتار دختر خشونت نشان می‌داد. حال آنکه، تصمیم می‌گیرد با نرم‌خویی و نوازش دختر را به پذیرش شوهر راضی کند. در مقابل، در رفتار بانوگشسب نیز اندوه، خشونت و نارضایتی دیده نمی‌شود. صرفاً، در چیرگی بر مردان ـحتی اگر همسر باشدـ زورمندی می‌کند و وقتی پدر به منزل او می‌آید، شرم و حیا نشان می‌دهد. رستم به او می‌گوید این همسر را من برای تو انتخاب کرده‌ام، تو او را پذیرا باش. بانو هم گفتهٔ رستم را می‌پذیرد:

به بانوی یل گفت بـا شـو بسـاز که زن باشد از شوی خود سـرفراز
زن از شوی دارد بلنـدی مـنش نباشـد ز شـو بـر زبـان سـرزنش
ز گـردان ایـران و شـهزادگان دلیـران مـردان و آزادگـان
من این را بکردم ز گردان پسند تو هم مهربان باش درِ کـین ببنـد
چو بشنید ایـن بـانوی سـرفراز نشسـتند بـا هـم بـر تخـت بـاز
بسـی ریخـت رسـتم نثـار درم که شد قصـر ایـوان چـو بـاغ ارم
چهل روز در سیستان سور بـود ز دل درد انـدوه و غـم دور بـود

(همان، ۱۲۸)

۳. نتیجه‌گیری

منظومهٔ *بانوگشسب‌نامه* گویای حضور پهلوان‌بانوان در فرهنگ ایران است که در جامعهٔ مردسالار همچنان دوشادوش مردان در اجتماع نقش ایفا می‌کنند. در این پژوهش، این منظومه از منظر حکمت عملی و جایگاه پهلوان‌بانوان در دو بخش رفتارشناسی بانوگشسب در اخلاق فردی و ارتباطات خانوادگی بررسی شد. در اخلاق فردی، از منظر تهذیب اخلاق، بانو شخصیتی مستقل، جنگجو، دلاور، خداباور و شاد است که با دیوها و دشمنان مبارزه می‌کند، شکارکردن کار اوست و مسئولیت برادر کوچکش را به‌عهده دارد و هرگز کاری خلاف اخلاق انجام نمی‌دهد. اخلاق بانو به‌منزلهٔ پهلوان، نمودی از جایگاه زنان در فرهنگ اصیل ایران است. در ارتباط خانوادگی و اجتماعی، در تدبیر منزل و سیاست مدُن، او فردی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

شایسته و فرزندی صالح است که آبرو و عزت‌نفس خانواده، شکست‌ناپذیری دربرابر دشمن و حفظ سرزمین برایش مهم است و رفتار و اعمال او همسو با خواسته‌های پدر و مصلحت جامعه است. بانو شخصیتی مستقل دارد، ولی پیرو مدبر منزل (یعنی رستم) است و با صلاحدید او مسیر زندگی‌اش را انتخاب می‌کند و سعی دارد برای خانواده و جامعه مفید باشد. ازطرف‌دیگر، نگرش خانواده به او نشان‌دهندهٔ انسجام اخلاقی در جامعهٔ ایرانی است. نبودن خشونت و نارضایتی و اندوه در زندگی او می‌تواند بر این امر صحه بگذارد که تحمیل جامعهٔ مرد/پدرسالار در زندگی او کمرنگ است و سنجش روابط خانوادگی آنها با معیار اخلاق، این نتیجه را می‌رساند که این منظومه دربرگیرندهٔ اخلاقیات خانوادهٔ ایرانی است و می‌تواند الگوی زندگی قرار بگیرد. در کل منظومه، نگاه تحقیرآمیزی از سوی خانواده به او نشده است، بلکه تساوی زن و مرد در دیدگاه پدر، پدربزرگ و همهٔ اعضای خانواده دیده می‌شود. رستم و زال و دیگر اطرافیان تفاوتی به‌دلیل زن‌بودن او میان بانو و دیگران قائل نشده‌اند و بانو دربرابر دشمنی که با این نگاه به او نگریست، واکنش نشان داد و او را کشت.

منابع

قرآن کریم

آیدنلو، سجاد (۱۳۸۴) «مهین‌دخت، بانوگشسپ سوار». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. شمارهٔ ۹۳: ۳۴ـ ۴۵.

آیدنلو، سجاد (۱۳۸۷) «پهلوان‌بانو». *مطالعات ایرانی*. سال هفتم. شمارهٔ ۱۳: ۱۱ـ ۲۴.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۹) «حکمت عملی در بوستان». *نشریهٔ مرکز سعدی‌شناسی*. دورهٔ سیزدهم: ۱ـ۹.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالـله (۱۳۲۶) *تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات*. چاپ دوم. قاهره: دارالعرب.

ابن‌سینا، حسین‌بن‌عبدالـله (۱۴۰۰ ق) *رسائل*. تصحیح محسن بیدارفر. قم: بیدار.

بانوگشسب‌نامه (۱۳۸۲) مقدمه، تصحیح و توضیح روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

جمشیدی، زهرا (۱۳۹۷) *من آن رستم زال را دخترم (پژوهشی در منظومهٔ بانوگشسپ‌نامه)*. کرمانشاه: مؤلف/ دیباچهٔ مهر.

چوبینه، سجاد (۱۳۷۷) حکمت *نظری و عملی در شاهنامهٔ فردوسی*. شیراز: نوید شیراز.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامهٔ دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

رضایی، رقیه و رضا اشرف‌زاده (۱۳۸۹) «حکمت عملی در خمسهٔ نظامی». *مجلهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*. شمارهٔ ۲۶: ۲۲۰-۲۴۴.

رنجبر، احمد (۱۳۶۹) *جاذبه‌های فکری فردوسی*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.

ستاری، رضا؛ حسین حسن‌پورآلاشتی و مرضیه حقیقی (۱۳۹۴) «نقد اسطوره‌ای و روانشناختی جایگاه زن در بانوگشسب‌نامه». *زن در فرهنگ و هنر*. سال هفتم. شمارهٔ ۱: ۳۷ـ۶.

صفا، ذبیح‌اللـه (۱۳۶۹) *حماسه‌سرایی در ایران از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری*. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

طوسی، خواجه نصرالدین (۱۳۵۶) *اخلاق ناصری*. تنقیح و تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.

عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۱) *تذکرةالاولیاء*. بررسی، تصحیح، توضیحات محمد استعلامی. چاپ بیست‌وسوم. تهران: زوار.

فارابی، ابونصر (۱۳۵۴) *آراء اهل المدینه الفاضله*. ترجمهٔ سیدجعفر سجادی. تهران: چاپ زر.

فارابی، ابونصر (۱۳۸۸) *فصول منتزعه*. ترجمه و شرح حسن ملکشاهی. چاپ دوم. تهران: سروش.

فارابی، ابونصر (۱۳۸۹) *السیاسه المدنیه*. ترجمهٔ حسن ملکشاهی. چاپ دوم. تهران: سروش.

فارابی، ابونصر (۱۴۰۸ق) *المنطقیات*. جلد۱ و۲. قم: کتابخانهٔ آیت‌الـله العظمی المرعشی النجفی.

کاتراک ام.ا، هیربد جمشید کاوس (۱۳۴۳) *زناشویی در ایران باستان*. ترجمهٔ رستم شهزادی. تهران: انجمن زرتشتیان ایران.

کراچی، روح‌انگیز (۱۳۸۱) «بانوگشسب پهلوان‌بانوی حماسه‌های ایران». *پژوهشنامهٔ علوم انسانی شهید بهشتی*. شمارهٔ ۳۳: ۱۷۹ـ۱۹۰.

مزداپور، کتایون (۱۳۸۳) «قدرت بانوگشسب و تیغ عشق». *فصلنامهٔ کتاب فرزان*. شمارهٔ ۷: ۸۹ـ۶۱.

مزداپور، کتایون (۱۳۸۷) *شناخت هویت زن ایرانی*. با همکاری شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

معین، محمد (۱۳۲۵) «اندرز و حکمت عملی در ادبیات پهلوی». *نشریهٔ پیام‌نور*. دورهٔ دوم. شمارهٔ ۱۲: ۵۶ـ ۶۳.

مول، ژول (۱۳۷۶) *دیباچهٔ شاهنامهٔ فردوسی*. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

مولوی، جلال‌الدین (۱۳۹۷) *مثنوی معنوی*. تصحیح محمدعلی موحد. تهران: هرمس.

مهماندوست، رقیه (۱۳۹۸) *عاشقانه‌های حماسه (با نگاهی به شاهنامه و بانوگشسب‌نامه)*. تهران: ماهوی خورشید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]
[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]

میرخوشخو، سیده آمنه و عبدالرحمن عالم (۱۳۹۶) «بررسی اسطوره‌شناختی جایگاه ایزدبانوان در جهان فکری-معنوی ایرانیان باستان». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. دورهٔ سیزدهم. شمارهٔ ۴۶: ۱۷۵-۲۱۵.*

نجاری، محمد و حسین صفی (۱۳۹۰) *زنان شاهنامه*. تهران: طراوت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.90.4.9]

[DOI: 10.52547/jpll.29.90.25]